

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۵ آبان ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۴۰ _ مفردات آیه _ ۴. «وفا». _ بخش اول _
 مصادف با: ۲۰ ربیع الاول ۱۴۴۳
 وجه امر بر یادآوری نعمت _ نعمت های خداوند به بنی اسرائیل
 جلسه: ۹

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در آیه ۴۰ سوره بقره است. مفردات این آیه را اجمالا توضیح دادیم و شاید بعضی از این الفاظ نیاز به توضیحات بیشتری دارد، اما اجمالا الفاظ مهم آیه را توضیح دادیم. درباره واژه بنی اسرائیل، واژه عهد و واژه رهبت توضیحاتی که لازم بود بیان شد.

۴. «وفا»

«وفا» یعنی ضد نقض، حیله، فریب و نیرنگ. وفا به معنای حفظ یک چیز و نقض نکردن و اتمام یک چیز است. در حقیقت وفا در مقابل عدم الوفاء عبارت است از حفظ در مقابل شکستن.

بخش های سه گانه آیه

اما این آیه در حقیقت سه بخش دارد:

بخش اول «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی أنعمتُ علیکم» است که بنی اسرائیل به صورت مشترک و خطاب در سه جزء آیه وجود دارد.

بخش دوم «و أوفوا بعهدی أوف بعهدکم» است.

بخش سوم هم «و إیّایَ فارهبون» است.

ما سعی می‌کنیم این بخش ها را توضیح دهیم که تفسیر هر بخش چیست. قهرا ارتباط وثیقی بین این بخش ها و اجزاء وجود دارد که من این اجزاء را یک به یک توضیح خواهم داد و ارتباط این بین بخش ها را هم بیان خواهم کرد.

این آیه در حقیقت دعوت به توحید، نبوت و معاد است.

خطاب به بنی اسرائیل

اما قبل از اینکه به این سه بخش به طور مستقل پردازیم، درباره خطاب به بنی اسرائیل توضیحی مختصر عرض می‌کنم چون در حقیقت این خطاب برای هر سه بخش است؛ «اذکروا» و «أوفوا» و بعد فرمود «و إیّایَ فارهبون». یا بنی اسرائیل یک خطابی است که در بسیاری از آیات قرآن تکرار شده است. شما حتما ملاحظه فرمودید که به طور کلی بسیاری از آیات قرآن با خطاب شروع می‌شود. ما خطاب زیاد داریم، از «یا ایها الناس» گرفته تا «یا ایها النبی». یعنی یک خطاب بسیار عام و فراگیر و یک خطاب شخصی و خاص. «یا ایها الناس»، «یا ایها الذین آمنوا» (در خصوص مؤمنان)، «یا ایها

الرسال» (در خصوص انبیاء)، و یا مثلاً «یا ایها النبی»، یا «یا ایها الرسول»، «یا ایها المزمّل» (در خصوص پیامبر) وجود دارد.

گاهی هم خطاب به مشرکان است مانند: «یا اهل الكتاب»، گاهی خطاب به بنی اسرائیل است مانند: «یا بنی اسرائیل». این خطاب‌ها معمولاً در قرآن ذکر شده هر کدام هم یک معنا و مفهوم خاص و دلیل خاصی دارد. یعنی اینطور نیست که این خطاب‌ها پشتوانه‌ای نداشته باشد، خیر همگی با عنایت و توجه صورت گرفته است.

اینجا «یا بنی اسرائیل» شاید به این دلیل ذکر شده که خداوند متعال می‌خواهد ترغیب کند آن‌ها را به سوی اخلاق حسنه و پرهیز از گناه و سیئات، چون اسرائیل به معنای عبدالله، قوه الله یا صفوة الله است که در برخی از روایات هم به این‌ها اشاره شده، بالاخره بار معنایی مثبتی دارد. اینکه مثلاً کسی فرزندان یا قومش را با تعبیر باهوش، رشید، آگاه و... خطاب کند، این یک نوع تکریم است و ترغیب و تحریض است به سوی اینکه اینچنین باشند. لذا با توجه به معنای بنی اسرائیل، وقتی خداوند می‌گوید: «یا بنی اسرائیل»، کأن می‌خواهد آن‌ها را تشویق و متنبه کند به اینکه این‌ها باید اهل بندگی خدا باشند. اهل عبودیت باشند. اهل این باشند که خودشان را در برابر هوای‌های نفسانی و خواهش‌ها و شیاطین درونی و بیرونی حفظ کنند و قوی باشند. لذا این خطاب از این جهت می‌تواند تحریک‌کننده، موجد رغبت به سوی خوبی‌ها و پرهیز از زشتی‌ها باشد.

بخش اول

بخش اول را ذکر کردیم که عبارت است از «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي أنعمتُ علیکم».

«اذکروا» امر به ذکر و یاد آوری است. اینجا فرموده نعمت من را به یاد بیاورید. البته در آیات قرآن تعابیر گوناگونی برای یاد آوری نعمت ذکر شده. مثلاً در جایی فرموده است «اذکروا نعمتی» در جایی دیگر فرموده «اشکروا»، یعنی نعمت‌های من را شکر کنید. در جایی هم می‌فرماید «و أما بنعمة ربک فحدّث»^۱ که بحث از حدیث نعمت است. پس ذکر نعمت، حدیث نعمت و شکر نعمت گاهی در قرآن بیان شده، لکن مهم این است که ذکر یعنی یاد؛ حال این یاد و استحضار گاهی به قلب است، گاهی به زبان و گاهی هم به هر دو است. اینکه می‌گوید نعمت را تحدیث کن، یعنی آن را به زبان بیاور. گاهی هم صرفاً در قلب است و انسان در درونش یاد می‌کند از نعمت‌های خدا. گاهی هم یاد و به زبان آوردن با هم است.

وجه امر به یاد آوری نعمت

خداوند متعال در اینجا می‌خواهد بفرماید به نعمت من توجه کنید و غفلت نکنید. ذکر و استحضار در برابر فراموشی و غفلت است. یادتان نرود که من این نعمت را به شما دادم و در ذهنتان در جریان باشد. خداوند متعال وقتی می‌فرماید یاد

۱. سوره نحل، آیه ۱۱۴.

۲. سوره ضحی، آیه ۱۱.

بیاورید این نعمت ها را، شاید می خواهد بفرماید الان که به این وضعیت دچار شدید، ثمره غفلت و فراموشی از نعمت من است. وقتی می گوید: «یا بنی اسرائیل»، آن ها را با نوعی تکریم و به هدف ترغیب به سوی خوبی ها خطاب می کند، سپس می گوید: «اذکروا نعمتی». کأن می خواهد به بنی اسرائیل بگوید اگر شما به این روز افتادید، این نتیجه فراموشی نعمت، نتیجه کفران نعمت و نتیجه ناسپاسی نسبت به نعمت های من است و این یک قاعده است در این دنیا. یعنی کأن یک سنت الهی است که نعمت ها را خود انسان تغییر میدهد و تبدیل به نعمت می کند.

خداوند متعال در سوره انفال میفرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ میفرماید خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده تغییر نمی دهد و آن نعمت را جابجا نمی کند مگر اینکه خود آن قوم به دست خود این نعمت را تغییر دهند. این خیلی مسئله مهمی است که خداوند متعال اگر نعمتی را از گروه و جماعتی سلب می کند، در حقیقت مبتنی بر مقدماتی است که خودشان آن ها را فراهم کرده اند. این بیشتر در رابطه به یک قوم و جماعتی از مردم است که گاهی بعضی از کارها موجب این امر می شود.

اینجا کأن دستور به یادآوری نعمت از ناحیه خداوند تبارک و تعالی برای این است که به بنی اسرائیل بگوید اگر آن نعمت هایی که شما داشتید (اشاره خواهیم کرد که آن نعمت ها چه بوده) تغییر پیدا کرد، شما آن ها را تغییر دادید. شما قوم بنی اسرائیل به دست خودتان نعمتی را که خدا به شما داده بود را تغییر دادید. این در حقیقت یک هشدار و اعلام خطر به بنی اسرائیل است. نعمت من را به یاد بیاورید و غرض هم این است که اگر این نعمت ها سلب شده برای چه بوده، حواستان باشد که خودتان باعث بودید. منتهی در اینجا در حقیقت می خواهد آن ها را از راه شرک که پیموده بودند برگرداند به راه توحید و صراط مستقیم.

نعمت خداوند به بنی اسرائیل

سپس میفرماید: «اذکروا نعمتی». این به نظر برخی ظهور در یک نعمت خاص دارد.

برخی معتقدند نعمتی در واقع یک نعمت خاصی است که خداوند تبارک و تعالی آن را در اینجا تعیین نکرده. یعنی کأن خداوند یک نعمت اختصاصی در اختیار بنی اسرائیل قرار داده بود که شاید به همین جهت هم بوده که فرموده «فَضَّلْنَاكُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ»، یا در آیه دیگری فرموده: «أَتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»^۲، یعنی من به شما چیزی دادم که به هیچ یک از عالمیان نداده بودم.

بعضی اینطور گفتند که نعمتی اولاً مفرد آمده و اضافه به خدا پیدا کرده. چه مفرد باشد و چه جمع فرق نمی کند و بالاخره اضافه به خداوند تبارک و تعالی پیدا کرده خداوند آن را به خود نسبت می دهد و این یک هدف و معنایی دارد که عرض خواهیم کرد. عمده این است که این نعمت به نظر بعضی یک نعمت خاص و اختصاصی است.

۱. سوره انفال، آیه ۵۳.

۲. سوره مائده، آیه ۲۰.

اما به نظر میرسد نعمت در اینجا ولو اینکه به صورت مفرد آمده، اما اسم جنس است. نعمت من معنایش یک نعمت خاص نیست، بلکه یعنی همه نعمت‌ها منظور است؛ چون اسم جنس است برای نعمت‌ها، لذا همه نعمت‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود. بعد اشاره می‌کنیم آن نعمت‌هایی که خدا به آن‌ها داد چیست. «اذکروا نعمتی الّتی أنعمتُ علیکم»، آن نعمتی که من به شما انعام و عطا کردم. آن نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل عطا کرد چه بود؟ انواع نعمت‌های مادی و معنوی که برخی از این‌ها در همین آیات و در ادامه ذکر شده و بعضی هم در آیات دیگر. آن‌هایی که در آیات دیگر ذکر شده عبارت‌اند از:

۱. «و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم و النبوة و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی العالمین». می‌فرماید ما به بنی اسرائیل کتاب، حکومت، قدرت، رزق از طیبات دادیم و فضلناهم علی العالمین. یعنی در واقع هرچه خواستند به آن‌ها دادیم و چیزی نبود که آن‌ها بخواهند و ما به آن‌ها نداده باشیم. اما آن‌ها همه را فراموش کردند و فراموش کردند و با این همه نعمت‌ها، کفران نعمت کردند. یکی از جهاتی که در مورد بنی اسرائیل است، این است که از میان این قوم انبیاء بسیاری را خداوند مبعوث کردند.

۲. در سوره مائده می‌فرماید: «یا قوم اذکروا نعمت الله علیکم إذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً و آتاکم ما لم یؤت أحدًا من العالمین»^۱. می‌فرماید نعمت‌های خدا را بر خودتان یاد آوری کنید. «جعل فیکم انبیاء»؛ عمده انبیاء را از این قوم برگزیدند. ملک و پادشاهی؛ ما شما را صاحب قدرت قرار دادیم. در یک جمله و به طور خلاصه ما چیزهایی به شما دادیم که به هیچ کسی ندادیم.

این‌ها نعمت‌هایی است که واقعا به طور خاص خداوند به بنی اسرائیل عطا کرده است. انبیاء برای مدتی طولانی از این‌ها بودند. انبیاء اولو العزم مانند عیسی و موسی از این‌ها بودند. کتاب‌های آسمانی، قدرت و پادشاهی و... برای این‌ها بود. اینجا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید به یاد بیاورید نعمت من را، یعنی جنس همه نعمت‌هایی را که من به شما ارزانی کردم که برخی از این نعمت‌ها را ما ذکر کردیم.

بحث جلسه آینده

منتهی باید دید که چگونه این دال بر توحید است. ما گفتیم جزء اول این آیه که یادآوری نعمت می‌کند، دعوت به توحید دارد می‌کند. این را باید دید که چگونه دعوت به توحید دارد. آیا فقط دعوت به توحید است یا پیام دیگری را هم می‌توانیم از این آیه استفاده کنیم که انشاءالله جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره جاثیه، آیه ۱۶.

۲. سوره مائده، آیه ۲۰.